

انقلاب فرهنگی یا تغییر نظام آموزش عالی

«ما از محاصره اقتصادی نمی ترسیم ما از دخالت نظامی نمی ترسیم، آن چیزی که ما را می ترساند وابستگی فرهنگی است»
امام خمینی

مردم و انتخابات دوره دوم

اعتقاد و اعتماد بر باد رفته را بسادگی نمیتوان بدست آورد.

بود ک همگان را بسپای صندوق های رأی کشانید و با دادن رأی خود پایان حکومت استبدادی وابسته به بیگانه و بقیه در صفحه ۶

شرکت شورانگیز یکپارچه مردم ایران در نخستین همه پرسی تعیین شکل حکومت در دوازدهم فروردین ماه سال گذشته نشانگر نیروی جاذبه های

ادامه راه سازشکاری در آستانه تشکیل دولت جدید

یکی از پرسش هایی که پس از پیروزی انقلاب شاید هر روزه از طرف مردم تکرار میشده این بوده که: قدرت حاکم کیست؟ قدرت حکومت در دست چه کسانی است؟ و تصمیم هایی که گرفته میشود از کدام مرجع و منبع صادر می شوند؟ مردم در این پرسش خود محق بوده اند. برای اینکه گاه تصمیم های گرفته شده آشکارا در تضاد با یکدیگر و برخی زمانها حتی در مغایرت با راه انقلاب و راه امام خمینی بوده اند. چرا؟ دلیل اصلی این موضوع بدون تردید مربوط به جوی است که پس از هر انقلاب بوجود می آید و آن تلاش گروه های گوناگون سیاسی برای کسب قدرت و سیرون راندن حریفان از میدان است و این بقیه در صفحه ۲

میعاد باقاریخ



مرگ تیتو، همچون زندگی او در خدمت مردم یوگسلاوی قرار گرفت

یک چریک پسر در میدان مرکزی بلگراد آرام آرام گریه میکرد و می گفت «تنها شدم دیگر امیدی ندارم». به راستی بقیه در صفحه ۵

ایران را دولتی باید، توانمند

همه نیروهای نهفته انقلاب را، بکار گیرید.

رئیس جمهور، برای از میان برداشتن دشواریهای بسیاری که کشور را در میان گرفته، پیشنهادهایی طرح کرده که با موافقت امام خمینی روبرو شده است. جوهر اصلی پیشنهادها طرح شده پدید آوردن دولت با اقتدار و سرعت تصمیم گیری و قاطع بودن در اجرا و رسانیدن آگاهیهای درست به مردم میباشد. همه این نقطه نظرها، بی گفتگو بجاست و اکنون پس از پذیرش رهبر انقلاب باید بی درنگ به اجرای آنها پرداخت و گرنه، دشواریهای تازه پدیدار میگردد و زمینه ناامیدیها و پراکندگی های بیشتر را فراهم می آورد. پیشنهادهای طرح شده انقدر اهمیت دارد که روا بود، زودتر از این و بسیار زودتر از این پیش کشیده میشد و اکنون که ضرورت داشتن روشی قاطع و استوار آشکار گردیده، هیچ جای دیرکرد باقی نمی ماند. برگزیدن نخست وزیر توانا با پیشنهاد رئیس جمهور و پذیرش امام خمینی و تشکیل دولت قوی، بسیار شایسته است که هم با جوهر معیارهای پارلمانی تطبیق میکند و هم با نیازهای کنونی مینماید. رئیس جمهور یا پستوانه رأی یکپارچه و بی مانند مردم و با برخورداری از پشتیبانی میلیونها تن که در گردهمائی های بعدی ابراز داشته اند، نمایندگی قاطع از جانب ملت یافته است و با احراز این نمایندگی حق دارد و باید با قدرت ریاست قوه مجریه و تنظیم روابط قوای سه گانه را بعهده بگیرد و به اینهمه نایب سامانی که در کار اداره کشور پدید آمده، هر چه زودتر پایان دهد.

جوهر نظام پارلمانی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نوعی از آن را پذیرفته است، عبارت از اجرای خواستهای ملت و سپردن کارها به کسان مورد اعتماد ملت میباشد و اینک ملت خواستها و اعتماد خود را ابراز داشته است و دیگر نمیتوان بقیه در صفحه ۲

ضد انقلاب سرکوب خواهد شد

حزب ما برای رویارویی با تجاوزهای انحصارطلبان آماده است

ضد انقلاب اکنون به صورت های گوناگون در میهن ما ظاهر و گروهبندی شده است، یک گروه از کسانی تشکیل گردیده که به نظام حکومتی گذشته وابسته بودند و هستی خود را در خطر می بینند و با تمام قوا علیه انقلاب توطئه میکنند.

دسته دیگر، کسانی هستند که به بنیادهای فکری انقلاب، عقیده ندارند و همه جا بر ضد نظام جمهوری اسلامی ایران، دسیسه میکنند تا آن را واژگون سازند و نظام حکومتی دلخواه خود را بقیه در صفحه ۶

ملت ایران پس از سالیان دراز «ایستادگی و کوشش» در برابر یک تازیهای گماشتگان «نظام سلطنتی» وابسته به بیگانه، سرانجام به بهای شهادت دهها هزار تن از بهترین فرزندان خود بردشمن غدار غلبه کرد. گذشته از دست یافتن به استقلال ملی، زنده داشت آزادیهای فردی و اجتماعی پر ارزشترین دست آورد انقلاب اسلامی ملت ایران بشمار میرود که با کمال تأسف دیده میشود بخشی از نیروهای ضد انقلاب تلاش میکنند که حریم مقدس آنرا خدشه دار سازند.

توطئه دولت بعث عراق در لندن

کسانی را به اتهام کشتار خرابکاری و جاسوسی در گوشه های از کشور دستگیر شده اند از زندان رها شوند. دولت ایران بسیار سریع و روشن اعلام کرد که به هیچ تهدید و باج خواهی تسلیم نمی شود و نمایندگان دولت جمهوری اسلامی ایران هم که به گروگان گرفته شده بودند اعلام نمودند که مرگ را با استواری و سربلندی می پذیرند و از دولت خواستند که به خاطر رهائی آنها هیچ امتیازی به دشمن بد دل داده نشود. بقیه در صفحه ۳

شکست توطئه، درس تازه ای است به دشمنان ایران فرستادگان دولت نژادگرایی بعث عراق با یک حمله وحشیانه نمایندگان دولت جمهوری اسلامی ایران را در لندن در درون سفارتخانه به گروگان گرفتند. حمله کنندگان در پی این گروگان گیری خواسته هایی عنوان کردند و برای رسیدن به آنها زندگی گروگانها را به تهدید گرفتند. این چندتن می خواستند



مجلس یکدمست !!

به راستی در ایران چه می گذرد

پرسش های بی پاسخ مانده مردم در کردستان چه میگذرد، جبهه های جنگ در کجا و چگونه است، سلاح هایی که از هر دو سو در این جنگ به کار برده میشود چیست، شمار کشته شدگان و میزان خرابی ها در هر جا چه اندازه میباشد و نتیجه نبرد بقیه در صفحه ۳

حفظ حیثیت ذاتی بشر در گرامیداشت آزادیهای فردی و اجتماعی است

آگهی حصر وراثت

بجای روزنامه جبهه ملی آقای حسین علی-عربی بشناسنامه ۹۸ سمنان بشرح دادخواست کلاسه ۵۸/۳۵-۱۱۷۴ این شعبه توضیح داده شادروان غلامرضا عربی بشناسنامه ۲۲۱۲ در تاریخ ۱۳۵۷/۹/۱۴ در گذشته وراثت حین الفوت آن مرحوم عبارتند از ۱- متقاضی بنا مشخصات فوق الذکر ۲- محمدعلی عربی به شناسنامه ۹ صادره از شهر ری پسران متوفی ۳- مهتری عربی به شناسنامه ۲ صادره از تهران دختر متوفی ۴- راضیه سلامی به

آگهی حصر وراثت

بجای روزنامه جبهه ملی خانم معصومه عسگری شمیرانی به شناسنامه ۱۱۲۰ بشرح دادخواست کلاسه ۱۴۵۶/۵۸ این شعبه توضیح داده شادروان مصطفی دیوان بیگی بشناسنامه ۷۶۳ در تاریخ ۵۸/۴/۲۱ در گذشته ورثه وی عبارتند از متقاضی همسر دائمی و محمد بشناسنامه ۳۴۵۵ و محمود بشناسنامه ۶۴۷۱۷ و حمید بشناسنامه ۱۵۳۵ پسران و نیره بشناسنامه ۱۴۹۶ دختر شهرت همگی دیوان بیگی

آگهی حصر وراثت

بجای روزنامه جبهه ملی آقای حیدر رستمزاده زکلیک به شناسنامه ۶۰۹۳ تهران بشرح دادخواست کلاسه ۸۵/۳۵-۱۳۱۰ این شعبه توضیح داده شادروان نریسمان رستمزاده زکلیک به شناسنامه ۱۲۵۰۵ در تاریخ ۱۳۵۸/۹/۲۹ درگذشت وراثت حین الفوت آن مرحوم عبارتند از ۱- متقاضی بنا مشخصات فوق الذکر پسر متوفی ۲- ولدوز رستمزاده زکلیک به شناسنامه ۱۲۵۰۷ صادره از اهر دختر متوفی ۳- ننه خانم

گسترش پیکارهای رهایی بخش کردستان عراق

در حالیکه هنوز درگیریهای اسفبار در کردستان پایان نگرفته و سایه‌های نگرانی و اندوه ناشی از آن از سرزمین ما برچیده نشده است، کوشش‌های شبانه‌روزی کردان رزمنده آنسوی مرز بر ضد دولت نژادگرایی بعث دلسگرم کننده و امیدبخش است. گزارش‌های رسیده نشان میدهد که پیشمرگان پارت دموکرات کردستان در منطقه‌های «در بندرخان» در استان سلیمانیه و «دهوک» و «چوبان» در استان اربیل و «درشودنی» واقع در منطقه «گلی» و «مامی خان» و «چامه» و «شیروان» و «میرگه سور» و «حلیجه» با پیکارهای خود خواب راحت از چشم بعثی‌ها ربوده‌اند. پیشمرگان اتحادیه میهن کردستان نیز از هر فرصتی برای درهم کوبیدن ارتش تجاوزگر عراق بهره گرفته و در «ولاج

لوک» در استان سلیمانیه و «سگاو» و «آغ‌جلر» و «باوه‌نور» در استان کرکوک و «انگوز» و «کسانی سوز» و «وئیله‌لا» و «پنجوبین» و «بناوه سوت» به تازمبار آنها دست زده‌اند. حزب اشتراکی متحد کردستان و دسته‌های کوچک دیگر نیز تلاش‌هایی در جهت آسیب رساندن به حکومت عراق داشته‌اند. توجهی اندک به وضع آشفته حاکمان از مردم بریده‌ی عراق و جبهه‌ی ضعیف و از هم‌پاشیده‌ی آنها یادآور این حقیقت تلخ است که اگر حزب‌های وابسته کشور را درگیر جنگ ناخواسته نمی‌کردند با چشم پرهم زدن به دولت دست نشانده عراق چنان درس عبرتی داده میشد که هرگز هوس پای از گلیم حقیر خود بیرون نهدان در دلش جوانه نزند. و اما در مورد برادران کرد نیز ننگ‌های فراوان توانست تخم نفاق و بدبینی در میان‌شان بپراکند و آنها را دچار چند دستگی و تفرقه سازد؛ صمیمانه آرزو میکنیم با پی بردن به نقشه حیله‌گرانه دشمن و شناخت نیروی عظیمی که نمره‌ی همبستگی آنها خواهد بود جنبش رهایی‌بخش کردهای عراق را گسترش دهند و به زندگی سلطه‌ی استبداد وابسته به استعمار در عراق پایان دهند.

انصراف از نمایندگی

همرزم دکتر عباس خاقانی، استاد دانشگاه که از سوی حزب ملت ایران نامزد نمایندگی مجلس شورایملی روز چهارشنبه هفدهم اردیبهشت انصراف خود را از شرکت در دوره دوم انتخابات با انتشار نامه‌ی زیر اعلام داشت: همشهریان عزیز، مردم انقلابی شهرستانهای محلات و دلجان با درود و سپاس بی‌پایان از ابراز اعتمادی که به این سرباز انقلاب اسلامی ملت ایران در انتخابات مجلس شورای ملی ابراز داشته‌اید، چون به شکایتهایی که به کمیسیون ۷ نفری رسیدگی به انتخابات ارجا گردید، تاکنون رسیده‌گی نشده است علیرغم تغییر دو تن از اعضای انجمن نظارت هنوز شرایط لازم برای انتخابات آزاد و بدون اعمال نفوذ نیروهای دخالتگر وجود ندارد. بدینوسیله انصراف خود را از شرکت در دوره دوم اعلام و توفیق شما را در راه حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی ملت ایران از خداوند بزرگ خواستارم.

دکتر عباس خاقانی

ایران را دولتی باید توانمند

و نباید در پیچ و خم واژه‌ها و عبارتها سرگردان ماند و برای رعایت کردن تشریفاتی چند، گرانباترین فرصتهای تاریخ ایران را به هدر داد. رئیس جمهور با پذیرفتن مسئولیت تصمیم‌گیری در میان این همه سردرگمی شجاعت اخلاقی شایسته‌ای نشان داده ولی در عین حال بارسنگینی برشانه‌های خویش نهاده است که وظیفه هر ایرانی یایی می‌دادن به وی در رقم زدن سرنوشت کشور میباشد. همه حقوقدانان بزرگ جهان و همه دست‌اندرآراستین نظام پارلمانی، بارها این عقیده را ابراز داشته‌اند که به هنگام پدید آمدن دشواریهای سخت و به هنگام درگیریهای سرنوشت‌ساز، اجرای همه تشریفاتی پارلمانی ضرورت ندارد و بقای حیات ملی و رهایی کشور را زنگنه‌ها، بالاتر از این تشریفاهاست.

همه تشریفاتی پارلمانی بر گرد این محور میچرخد که خواست و رای ملت دریافت شود و به اجرا در آید، اینک ملت خواست خود را بیان کرده و رای خود را داده است و اگر کسی بازم غلبه بر بحران بی‌دولتی را، باز پس اندازد بی‌شک در پیشگاه تاریخ مسئول خواهد بود.

به راستی ایران در حالت جنگ است، ما با نیرومندترین قدرت نظامی و اقتصادی جهان درگیر شده‌ایم، ما با توطئه‌های بسیار که از سرچشمه‌های گوناگون میجوشد روبرو هستیم، ما و ارت یک مجموعه پریشان اقتصادی اجتماعی هستیم که بیکاری و فقر و گرانی هزینه زندگی را یکجا به ما تحمیل کرده و نظام اداری کشور هم از حرکت باز ایستاده است. همچنانکه در گذشته نزدیک نوشته شد از نظر حزب ما کشور در وضع استثنائی بسر میبرد و به «قدرت ناشی از شرایط جنگی» نیاز دارد.

می‌باید هرچه زودتر یک دولت با اقتدار براساس پیشنهاد رئیس جمهور و تأیید رهبر انقلاب اسلامی ملت ایران، زمام کشور را به کف گیرد و باید همه نیروهای نهفته انقلاب در راه بازسازی میهن، بکار گرفته شود.

دولتی که بدینسان ایجاد میگردد باید از هر گونه انحصارطلبی و فرقه‌گرایی پرهیز کند و از هر گونه انتقام‌گور، دوری جوید، باید از هر گونه خویشتن‌اندی بازی و رفیق‌نوازی، خودداری نماید، باید از هر پرده پوشی، دست بشوید و از هر تشریف‌بی‌حاصل قانونی و اداری به یکبار کناره بگرد. بسیج همه نیروها را نباید با دادوستدهای نهائی اشتباه کرده، بسیج کشور به شخصیتها و گروهها، بدل کرد.

مسئولیت‌های اجرائی کشور غنیمت جنگی نیست که میان جنگ‌آوران تقسیم شود، این مسئولیت‌ها ابزار رستگاری ملت است، این ابزارها را باید بدست‌های آگاه و توانا سپرد. هر گونه رابطه خاص در گزینش کاربدستان کشور باید، فراموش شود و به شرط وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران، اصل شایستگی جای همه وابستگی‌ها را بگیرد. ایران در وضعی نیست که آزمایشگاه آزمانها و اعتقادهای اجرائی نشده، گردد، میهن مادروضعی قرار ندارد که بتواند اشتباه، کاربدستان را بیش از این تحمل کند.

ایران را دولتی باید توانمند که با داشتن برنامه‌ای حساب شده، دوران سازندگی انقلاب را دریابد و با نظم و کاربرای فرزندان این سرزمین آینده‌ای درخشان فراهم آورد.

مردم میدهیم که آری، باید از وارد کردن کالاهای مصرفی بهره‌ریم و کالاهای سرمایه‌ای وارد کنیم. ولی نتیجه این حرفها در عمل اینستکه ما هر روز بیشتر از روز پیش کالاهای مصرفی وارد میکنیم و تابلال در هیچ جا، نه خوانندایم و نه شنیدایم که کارخانه‌ای برای ایجاد کار و تولید داخلی وارد شده ویژگی عمومی همه انقلابهای جها در ایران نیز کاملاً نمودار است. ولی سردرگمی قدرت حاکم پس از پیروزی انقلاب ناشی از سبب‌های دیگری غیر از این ویژگی همگانی نیز میباشد. همه بیاد دارند که رئیس اولین دولت پس از انقلاب گاموبیگاه از تعدد مراکز تصمیم‌گیری شکایت و بانهایت صراحت ابراز میکرد که «بزرگانگی قدرت تصمیم‌گیری در عمل دولت را ناتوان و از اجرای کارها باز میدارد. ولی همین دولت که چنین گلیامی داشت، گروهی را بکارها گماشت که شاید تا سالهای سال اگر بخواهند نمونه‌ای از بی‌کفایتی و عدم صلاحیت در احراز مشاغل مهم کشوری بیاورند، اشاره به برخی اعیان آن دولت خواهد کرد. چندی پیش فهرستی از اقدامات درخشان آن دولت بعنوان سندی از خدماتی که در مدتی کوتاه انجام گرفته ارائه شده بود. اتفاقاً اشکال کار همین جا بود که آن دولت می‌پنداشت که در گرونی بر روی صفحه کاغذ و بصورت قوانینی که بهیچوجه ضمانت اجرایی ندارند امکان‌پذیر است و همین کافی است که بگویند: اگر دکتر مصدق در عرض دو سال فقط نفت ایران را ملی کرد ما در عرض نه ماه همه چیز را ملی کردیم! هنگامیکه آن حکومت در نتیجه سازشکاری خود سقوط کرد، مردم پنداشتند که حالا آن حکومت وحدت ملی که در انتظارش بودند روی کار خواهد آمد. ولی خط سازشکاری کماکان ادامه یافت. نه تنها اکثر وزرای آن حکومت در پست‌های خود ایفا شدند، بلکه ختم‌مشی حکومتی نیز تغییر چندانی نیافت. تنها فرقی که با گذشته پدید آمد، روشن کردن سیاست خارجی

ادامه راه سازشکاری

در دیگر کارها آنچه این حکومت در دنباله سیاستهای دولت گذشته انجام داده است، بهمان اندازه و یا شاید بیش از آن نشانه‌ای از ناتوانی، تاکاراتی و سردرگمی بوده است. مردم از خود می‌پرسند که این دولت پس از محکوم کردن دولت سازشکار گذشته چه کرده است؟ همان عواملی که به سازشکاری متهم شده بودند یا در دولت هستند و یا اکنون به برکت انتخابات آزاد (!) به مجلس راه یافته‌اند، بزرگترین وظیفه این دولت که انجام یک انتخابات ملی پس از سالها اختناق و فشار بوده است با بزرگترین تجربه شکست آزادی در ایران روبرو شده است. در برابر فشارهای امریکا نه تنها عاجز از تجهیز مردم بوده است، بلکه در هشداری و آماده‌باش نیروهای مسلح خود نیز بگونه‌ای نابخشودنی کوتاهی کرده است. بجای ایجاد وحدت ملی در موقعیتی که بزرگترین انگیزه‌ها

همه چیز را برای خود میخواهند و بخش بزرگی از نیروهای اجتماعی را به انزوا و کینه‌اندوزی و احتمالاً تباہکاری واداشته‌اند. در چنین شرایطی همگان به لزوم روی کار آمدن یک دولت مقتدر معتقدند ولی این دولت مقتدر، اقتدارش نباید در خرد کردن و در هم کوبیدن بقایای آزادی‌سپاهای دستاورده انقلاب باشد. دولت وحدت ملی نتیجه سازش بین چند شخصیت نیست، بلکه توافق برای اجرای یک برنامه واحد حکومتی است که بتواند پایه‌ای برای استقرار ملی باشد. سازش بین شخصیتها، برای کنار گذاردن برخی گروهها، ادامه راه انحصارگرایی گذشته و از دیدگاه ملت ایران محکوم است. در صورتیکه بر سر یک برنامه حکومتی که بر پایه بنیادهای فکری و جدول ارزشهای انقلاب اسلامی ملت ایران توافق شود، هر حزب واجد شخصیت و آماده به خدمتگزاری در اینراه میتواند جای خود را در حکومت وحدت ملی بیابد.

آگهی حصر وراثت
 بجای روزنامه جبهه ملی
 خانم زهرا وفاقی نژاد به شناسنامه ۹ طوس مشهد ۵۸/۳۵-۱۱۳۸ این شعبه توضیح داده شادروان احمد وفاقی نژاد به شناسنامه ۴۳ در تاریخ ۱۳۵۸/۹/۲۴ در گذشته وراثت حین الفوت آن مرحوم عبارتند از ۱- متقاضیه با مشخصات فوق الذکر عیال دائمی متوفی ۲- بانو سکینه افضلی به شناسنامه ۵۷ مادر متوفی ۳- مهناز به شناسنامه ۷۶۰ صادره از تهران ۴- معصومه ۳۸۰۰ صادره از تهران متوفی ۵- محمدرضا به شناسنامه ۱۸۷۸ صادره از تهران پسر متوفی ورثه دیگری ندارد. لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه رسمی محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.
رئیس شعبه ۳۵ دادگاه صلح تهران محمد ابراهیم طائف
 م- الف ۲۳۸۰۶ ۳-۳

آگهی حصر وراثت
 بجای روزنامه جبهه ملی
 آقای کاظم عمیدی دارای شناسنامه شماره یک صادره از حوزه ۲ گرمسار فرزند علی رضا از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که علی رضا عمیدی فرزند حبیباله در تاریخ ۱۳۵۸/۱۰/۲۲ در گرمسار اقامتگاه دائمی خود بمرور زندگی گفته ورثه آن مرحوم منحصر است به ۱- متقاضی ۲- حمید عمیدی به شناسنامه شماره سه صادره از حوزه ۲ گرمسار (پسران متوفی) - محبوبه عمیدی به شناسنامه شماره ۳ صادره از حوزه ۵ گرمسار ۴- معصومه عمیدی به شناسنامه شماره ۱۰۶ صادره حوزه یک گرمسار ۵- رهرا عمیدی شماره شناسنامه ۲ صادره از حوزه ۵ گرمسار ۶- سوس عمیدی به شناسنامه شماره چهار حوزه ۱ گرمسار (دختران متوفی) ۷- اختر نظری به شناسنامه شماره ۱۹ صادره از حوزه یک گرمسار (عیال دائمی متوفی) به غیر از نامبردگان وارث دیگری نداشته و ندارد. اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در سه نوبت پی در پی ماهی یک مرتبه آگهی مینماید تا هر کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه از در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر و هر وصیتنامه جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط و بلائذ خواهد بود.
رئیس دادگاه صلح مستقل گرمسار - علیرضا نوروز علی
 م- الف ۲۳۱۶۱ ۳-۳

رونوشت آگهی حصر وراثت
 بجای روزنامه جبهه ملی
 آقای مهدی نعمت‌اللهی دارای شناسنامه شماره ۸۹۹۹ کرمان فرزند غلامرضا از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که فاطمه نعمت‌اللهی به شناسنامه ۵۸/۱۶/۱۲ در تاریخ ۱۳۵۸/۹/۲۴ در تهران اقامتگاه دائمی خود بمرور زندگی گفته ورثه آن مرحوم منحصر است به ۱- متقاضی ۲- علی به شناسنامه ۲۶۲۴۵ صادره از کرمان پسران متوفی ۳- نیره به شناسنامه ۸۹۹۶ صادره از کرمان ۴- ربایه به شناسنامه ۸۹۹۸ صادره از کرمان ۵- حسین به شناسنامه ۴۷ صادره از کرمان ۶- عطیه به شناسنامه ۲۹۱ صادره از کرمان دختران متوفیه شهرت همگی نعمت‌اللهی ورثه دیگری ندارد. اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در سه نوبت پی در پی ماهی یک مرتبه آگهی مینماید تا هر کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه از در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر و هر وصیتنامه جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط و بلائذ خواهد بود.
رئیس شعبه ۳۵ دادگاه صلح تهران - محمد ابراهیم طائف
 م- الف ۲۳۸۰۷ ۳-۳

آگهی حصر وراثت
 بجای روزنامه جبهه ملی
 آقای محمد حسین امام جمعه کاشانی به شناسنامه ۴۳۲۲۹ تهران به شرح دادخواست کلاسه ۵۸/۳۵-۷۷۲ این شعبه توضیح داده شادروان محمد - امام جمعه کاشانی به شناسنامه ۶۵۵۲ در تاریخ ۱۳۵۸/۹/۲۴ در گذشته وراثت حین الفوت آن مرحوم عبارتند از ۱- متقاضی با مشخصات فوق‌الذکر ۲- محمد تقی به شناسنامه ۴۳۲۳۰ صادره از تهران ۳- محمد مهدی به شناسنامه ۶۰۸۳۱ صادره از تهران ۴- محمدرضا به شناسنامه شماره ۲۷۰۳۶ صادره از تهران پسران متوفی ۵- زهرا به شناسنامه ۸۲۷ صادره از تهران ۶- فاطمه به شناسنامه ۱۵۷ صادره از تهران دختران متوفی شهرت همگی امام جمعه کاشانی ۷- بانو اعظم ابوطالب زهرا بادی به شناسنامه ۶۴ صادره از تهران عیال دائمی متوفی ورثه دیگری ندارد. لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.
رئیس شعبه ۳۵ دادگاه صلح تهران محمد ابراهیم طائف
 م- الف ۲۲۰۲۴ ۳-۳

آگهی حصر وراثت
 بجای روزنامه جبهه ملی
 خانم شکوفه رفیعی سقزچی به شناسنامه ۱۳۴۱ شرح دادخواست کلاسه ۴۳۴۷/۵۳۶ این شعبه توضیح داده شادروان حیدرعلی کرمی به شناسنامه ۳۳۲ در تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۲۷ در گذشته ورثه وی عبارتند از درخواست کننده همسر دائمی و غسل کرمی به شناسنامه ۵۲۱۷ و بنفشه کرمی به شناسنامه ۱۵۱۲۲ دختران و بهزاد کرمی به شناسنامه ۳۶۲۵ و بیژن کرمی به شناسنامه ۳۹۷۶ و بهنام کرمی به شناسنامه ۲۳۱۱ پسران و کریم کرمی به شناسنامه ۴۳۷۴ پدر و خاور کرمی به شناسنامه ۳۳۱ مادر. لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.
رئیس شعبه ۷۴ دادگاه شهرستان تهران - سازگاری
 م- الف ۲۳۱۶۲ ۳-۳

آگهی حصر وراثت
 بجای روزنامه جبهه ملی
 آقای داکتر حسینقلی کاتبی وکیل دادگستری و محمدرضا سیف تبریزی کارآموز وکالت بشرح دادخواست کلاسه ۱۴۴۹/۵۸ این شعبه توضیح داده شادروان سیدحسین دشگیر به شناسنامه ۶۷ در تاریخ ۵۸/۲/۱۰ در گذشته ورثه وی عبارتند از خانم دشگیر به شناسنامه ۲۱۹۹۳ مادر متوفی لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.
رئیس شعبه ۳۵ دادگاه صلح تهران عبانی
 م- الف ۲۳۸۱۶ ۳-۳

آگهی حصر وراثت
 بجای روزنامه جبهه ملی
 خانم زهرا متأسفجو به شناسنامه ۳۴۵ رامسر شهسوار به شرح دادخواست کلاسه ۵۸-۴۷-۴۷ این شعبه توضیح داده شادروان محمدرضا موسوی به شناسنامه ۲۲۷۹ تهران در تاریخ ۵۸/۱۱/۱۱ در اقامتگاه دائمی خود تهران فوت نموده و حین الفوت ورثه وی عبارتند از یک عیال دائمی به نام متقاضیه و سه دختر باسامی ۱- گلناز موسوی به شناسنامه شماره ۴۲۰۹ صادره از تهران ۲- گلناز به شناسنامه شماره ۴۲۱۱ صادره از تهران ۳- مرسده موسوی به شناسنامه شماره ۳۱۱۰ صادره تجریش و مادر به نام عزت محمودی به شناسنامه شماره ۳۷۸۸ صادره از تهران و به غیر از نامبردگان فوق ورثه دیگری ندارد. لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.
رئیس شعبه ۴۷ دادگاه صلح تهران - افشارچی
 م- الف ۲۳۱۶۳ ۳-۳

آگهی حصر وراثت
 بجای روزنامه جبهه ملی
 آقای علی اصغر فصیح روشندل به شناسنامه ۱۳۲ صادره تجریش بشرح دادخواست کلاسه ۵۸-۴۷-۴۷ این شعبه توضیح داده شادروان سیفاله فصیح روشندل به شناسنامه ۳۵۹۳۲ صادره تهران در تاریخ ۵۸/۹/۱۳ در محل اقامتگاه خود شمیران فوت نموده و حین الفوت ورثه وی عبارتند از سه پسر باسامی ۱- متقاضی ۲- علی کبر فصیح روشندل به شناسنامه شماره ۳۹۶۶ صادره از شمیران ۳- علیرضا فصیح روشندل به شناسنامه ۲ صادره از حوزه ۲ شمیران و سه دختر باسامی ۱- عذرا فصیح روشندل به شناسنامه شماره ۶۰۹۸ صادره از حوزه ۸ تهران ۲- کبری فصیح روشندل به شناسنامه شماره ۱۳۸۷ صادره از حوزه ۵ تهران ۳ شمس فصیح روشندل به شناسنامه شماره ۴۰۵ صادره از حوزه یک تجریش و یک همسر دائمی بنام زهرا بیگم شمس لوانانی به شناسنامه شماره ۴۳۷ صادره از حوزه ۹ تهران و غیر از نامبردگان فوق ورثه دیگری ندارد. لذا مراتب سه نوبت ماهی یک مرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.
رئیس شعبه ۴۷ دادگاه صلح تهران افشارچی
 م- الف ۲۲۵۸۲ ۳-۳

آگهی حصر وراثت
 بجای روزنامه جبهه ملی
 خانم فاطمه زاهدی به شناسنامه ۴۸۵ به شرح دادخواست کلاسه ۶۴۷/۵۸ این شعبه توضیح داده شادروان مهدی فهیمی پیروز به شناسنامه ۵۴۷ در تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۲۷ در گذشته ورثه وی عبارتند از متقاضیه همسر دائمی و نینا فهیمی پیروز به شناسنامه ۲۵۵ دختران متوفی. لذا مراتب سه نوبت ماهی یک مرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.
رئیس شعبه اول دادگاه صلح تهران - حیدری مقدم
آگهی حصر وراثت
 بجای روزنامه جبهه ملی
 آقای ادریس مسیحی ماطاوسیان به شناسنامه ۲۱۱۵۶ بشرح دادخواست کلاسه ۳۲۹۰/۵۸ این شعبه توضیح داده شادروان هارطون مسیحی ماطاوسیان به شناسنامه ۲۱۱۵۵ در تاریخ ۱۳۵۸/۵/۱۶ به درود حیات گفته و وراثت وی عبارت از: متقاضی پسر. لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.
رئیس شعبه ۷۴ دادگاه شهرستان تهران - سازگاری
 م- الف ۲۲۰۲۷ ۳-۳

آگهی حصر وراثت
 بجای روزنامه جبهه ملی
 آقای علی اکبر اطمینان بوکالت از بانو منیژه دانشور به شرح دادخواست کلاسه ۲۸۶/۵۸ این شعبه توضیح داده شادروان جمشید ایمانی لیل آبادی به شناسنامه ۳۰۱ در تاریخ ۵۸/۸/۳ در گذشته ورثه وی عبارتند از زینت ایمانی لیل آبادی به شناسنامه ۷۰۰ و رکسانا ایمانی لیل آبادی به شناسنامه ۶۰۸ دختران و منیژه دانشور به شناسنامه ۲۹۳ همسر دائمی و جیران عباس‌پور سیاوشی به شناسنامه ۱۱۸۱۲ مادر ۲۳۴ پدر متوفی (ضمناً همسر متوفی حامله میباشد). لذا مراتب سه نوبت ماهی یک مرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.
رئیس شعبه اول دادگاه صلح تهران - قاسم عبانی
 م- الف ۲۲۰۴۰ ۳-۳

آگهی حصر وراثت
 بجای روزنامه جبهه ملی
 آقای امیر امیری پری به شناسنامه ۳۵۵ به شرح دادخواست کلاسه ۴۹-۲۹۲/۵۸ مدنی این شعبه توضیح داده شادروان اسحق امیری پری به شناسنامه ۱۱۳۰ از ملائذ در تاریخ ۵۸/۱۱/۱۱ در تهران فوت کرده وراثت حین الفوتش عبارتند از دو پسر به اسامی امیر- رضا و سه دختر به اسامی مریم و شهلا و زهرا و غیر از نامبردگان وراثت دیگری ندارد. لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.
رئیس شعبه ۴۹ دادگاه صلح تهران مستقر در شهرری نویدانفر
 م- الف ۲۲۰۲۳ ۳-۳

میعاد با تاریخ

مرگ تیتو، همچون زندگی او در خدمت مردم یوگسلاوی قرار گرفت

مید چریکهای پیر یوگسلاوی از دست رفته بود. مبارزان قدیمی دست به سیبلهایشان میکشیدند و حیرت زده نگاه می کردند و هیچ چیز برای گفتن نداشتند فقط ریبلر دو کلمه را می جویدند «رفیق تیتو» رفیق تیتو رفته و همه آنها را تنها گذاشته بود. سیل جمعیت خیابانها و میدانهای بلگراد را می پوشاند تکنو کراهای خوش خیال اتومبیلهایشان را رها می کردند و در سیل جمعیت محو میشدند. هیچکس چیزی نمی گفت. همه مردم بلگراد به خیابان آمده بودند، و مات و مبهوت نگاه می کردند. کمترین صدا از هیچ جا شنیده نمیشد. گاهی چریکی پیراشک از گونه پاک می کرد. کسی یاری سخن گفتن نداشت. تمامی شهر بلگراد از جنبش و گفتگو بازمانده بود. مثل اینکه قلب یوگسلاوی دیگر نمی تپید.

گوینده رادیوی بلگراد با صدایی گرفته، آرام و بم، خیلی خشک، اعلام کرد «رفیق تیتو مرد» همین و فقط همین، و دیگر نتوانست چیزی بگوید و سپس مارش عززا در فضای یوگسلاوی طنین افکند و آنها نیمه افراشته شد.

مردم یوگسلاوی از مدتها پیش می دانستند که تیتو دیگر همراه آنها نخواهد بود. و می دانستند که باید برای همیشه از رفیق تیتو خداحافظی کنند. ولی هنگامی که خبر مرگ تیتو پخش شد همه مردم یوگسلاوی، دچار برق گرفتگی شدند، صدایشان در گلو فرو پیچید، و به خیابان ریختند، نمی دانستند چه بکنند، فقط سکوت، بهت و اضطراب، و در سرتاسر یوگسلاوی چیزی جز این حس نمیشد.

تاریخ بارها و بارها شکوه مرگ را در سینه خود به جلوه گذارده است. مرگ افلاطون و تشییع حیرت آور جنازه او، مرگ «ندی» و اندوه سیاهی که در مرگ و زن هندی فرو آورد، مرگ ناصر و اضطراب و هراسی که همه دنیای عرب را در خود غرق کرد، جلوه هایی از شکوه مرگ است. ولی مرگ تیتو شکوه تازه ای به سینه تاریخ نشاند، شکوه آمیخته با وقار. این چریک پیر، این انقلابی سالخورده، با اشرافی ترین وقار به جاودانگی سفر کرد، در پشت جنازه او همه چیز و همه کس در وقاری تاریخی فرو رفت، غوغای بلند سردار پیر سر صدر خاموش ساخته، و هر حرکت را به سکون بدل کرده بود. قدرت جاذبه شخصیتش بیشتر بزرگان جهان را به بلگراد کشانید و بی صدا در پشت جنازه روان داشت.

پرچمداران بزرگ کمونیسم و دولتمردان سرمایه داری آقای بزرگ و خانم تاجر، هلموت اشمیت و هوا کوفونگ و دهها رهبر و سرکرده جهانی به همراه چریکهای پیر یوگسلاوی و هزاران هزار زن و مردان این سرزمین در پشت جنازه اش احترام گام زدند.

مرگ تیتو، همچون زندگی او در خدمت مردم یوگسلاوی قرار گرفت گوئی سردار پیر دقیق ترین نقشه نظامی را برای سفر جاودانه خود طرح ریخته است. وی اسباب سفر جاودانه را چنان فراهم داشت که سربو یوگسلاوی هر چه کمتر زبان رسد او از ماهها پیش مرگ را

خواه ناخواه در یک تخمیر تکاملی فرو خواهد رفت. تیتو دفاع از سرزمین و دستاوردهای انقلاب یوگسلاوی را، بر شانه های ارتشی بسیار کارآمد و متحرک و برخوردار از پشتیبانی ملی، و نیروهای چریکی قرار داد. ارتش یوگسلاوی در حد خود توانا و نیرومند است. تیتو با مائوئیسم تفاوت های اساسی دارد، گرچه همسانی های



کم عمقی میان این دو بیش از بی گمان دست کم یک پیش سیاسی است. تیتو در ۱۹۴۸ آغاز شد، بدان هنگام که تیتو از اردوی استالینیستها برید، و به سفری در جستجوی خویشتن خود پا نهاد، تیتو و مردم یوگسلاوی، همپای هم بدین سفر رفتند، و گام به گام دیوارهای زندگی و سیاست، را کورمال کورمال لمس کردند و کاویدند، از این سیر و سلوک یک بینش سیاسی حاصل آمد به نام «تیتوئیسم».

تیتوئیسم ترکیبی است از ناوابستگی، نظام فدراتیو، اقتصاد مبتنی بر مالکیت همگانی با در پیچه و زمینه هایی به عملکرد بازار، استقلال واحدهای صنعتی و تولیدی، سیستم یک حزبی بدون قدرت اجرائی و مکلف به بازگشودن ناسازگاریهای قدرت سیاسی و ارگانه های اجرائی و فراهم آوردن مجرای ارتباط رهبری با توده مردم خود خودگردانی قومی گوناگون و اینک رهبری گروهی و ادواری در نظام پیچیده یوگسلاوی ساخت سیاسی و اجتماعی حرب هنوز پختگی کامل به دست نیآورده و پس از در گذشت تیتو

کم عمقی میان این دو بیش از بی گمان دست کم یک پیش سیاسی است. تیتو در ۱۹۴۸ آغاز شد، بدان هنگام که تیتو از اردوی استالینیستها برید، و به سفری در جستجوی خویشتن خود پا نهاد، تیتو و مردم یوگسلاوی، همپای هم بدین سفر رفتند، و گام به گام دیوارهای زندگی و سیاست، را کورمال کورمال لمس کردند و کاویدند، از این سیر و سلوک یک بینش سیاسی حاصل آمد به نام «تیتوئیسم».

شرایط آتش بس تشکیل شد، در این کنفرانس از نمایندگان هندوستان سیلان، پاکستان، برمه و اندونزی دعوت نشد، این پنج کشور رنجیده و نگران از دعوت نشدن به گفتگوهای ژنو، در کلمبو کنفرانسی برپا کردند و عزم راسخ خود را برای مقاومت در برابر هرگونه نفوذ خارجی واستعمار در قاره آسیا اعلام داشتند، و شعار «آسیا برای آسیائیه» را محور سیاست خارجی خود شمددر شمدردند، و از فرانسه خواستند استقلال کشورهای شبه جزیره هند و چین و کشورهای مراکش و تونس را به رسمیت بشناسد. پنج کشور شرکت کننده در کنفرانس کلمبو راه ورسم سیاسی یکنواختی نداشتند، پاکستان زیر نفوذ آمریکا بود، سیلان و برمه در تردید بودند، ولی اندونزی و هند با استواری اندیشه ناوابستگی به ابرقدرتها را دنبال می کردند، ولی پدید آمدن کنفرانسی از پنج کشور آسیایی و اعلام شعار «آسیا برای آسیائیه» و بنیان نهادن مقاومت در برابر نفوذ ابرقدرتها پیروزی بزرگی برای مردم آسیا به شمار می آید.

امپریالیسم آمریکا نگران از پدید آمدن چنین نهاد آسیایی با شتاب به رویا روتنی آن برخاست و برای زدودن اثرهای ایس کنفرانس از چهره سیاست هائی آسیائی طرح دفاع مشترک کشورهای جنوب شرقی آسیا را بنام پیمان «سنتو» فراهم آورد و در هشتم سپتامبر سال ۱۹۴۵ این پیمان را به امضا کشورهای هوادارشان رسانید. خطوط اصلی سیاست آسیا شکل میگرفت، در یک سو پیمان «سنتو» و در سوی دیگر طرح کلمبو، ولی طرح کلمبو از قاطعیت و جرئت کافی برخوردار نبود، پس شخصیت هوشیار و دورنگر و توانای نهرو به تلاش برخاست، تا راه نفوذ استعمارگر تازه نفس، امپریالیسم آمریکا، را در قاره آسیا فرو بندد، نهرو بی درنگ با هوشی مین رهبر پرغرور آسیائی به گفتگو نشست، و حکومتش را به رسمیت شناخت، و سپس با جمهوری خلق چین گفتگو آغازید، و چندماه بعد رهسپار پکن شد، و با چوئن لای، دولتمرد سردوگرم چشیده چینی، دیدار و گفتگو کرد، و در این گفتگو طرح تشکیل کنفرانس بزرگی از کشورهای آسیائی و آفریقائی را فراهم آورد، و در بازگشت از چین به اندونزی سفر کرد، و همکاران خود را در طرح کلمبو به اندونزی دعوت کرد. و با همکاری آنان و با دلگرمی از گفتگوهای پیشین خود، در دسامبر ۱۹۵۴ پیشنهاد کرد، کنفرانس بزرگی از کشورهای استقلال طلب آسیائی و آفریقائی در باندونگ پدید آید، این کنفرانس در هجدهم آوریل ۱۹۵۵ با شرکت نمایندگان ۲۴ کشور مهمان و پنج کشور میزبان، که نماینده یکپهزار و دویست میلیون جمعیت بودند، و در باندونگ آغاز به کار کرد.

کنفرانس باندونگ نتیجه تلاش و کاردانی شخص نهرو بود، و پاسخی بود به تسکابوی استعمار گرانه آمریکا در آسیا، و جبهه های روشن و نیرومند در برابر پیمان سنتو. در کنفرانس باندونگ

بدین سال دوجریان فکری همسان در یک زمان در اروپا و آسیا پدید می آید، یک جریان در کنفرانس باندونگ به پایمردی نهرو و سوکارنو یک جریان در فرودگاه بلگراد به پایمردی تیتو، هر دو جریان از یک اصل فکری پیروی میکنند: اصل ناوابستگی گفتارهای خروشچف، چه در بلگراد و چه در مسکو، تأکید روشن و نیرومندی بود بر تیتوئیسم از این روزها به بعد کرد، تیتوئیستها در اروپای شرقی با روحیه ای عالی به حرکت برخاستند، در رهبری کشورهای اروپای شرقی نکاتی پدید آمد و تیتو به مسکو دعوت شد.

تیتو در ۱۹۵۶ پیروزمندانه به مسکو قدم گذاشت، و آفرینها شنید، و تشریفها بروجوش نثار کردند، و کوشیدند او را به «خانواده بزرگ کمونیستها» برگردانند، از «انترناسیونالیسم پرلناریائی» تعریفهای تازه به دست دادند، و وجود راههای گوناگون برای رسیدن به سوسیالیسم را پذیرفتند، ولی باز هم تیتو نلغزید.

در بازگشت تیتو از مسکو که همه تلاشها برای به دام کشیدن او بی حاصل درآمد، مسکو نوشته های پنهانی به همه حزبهای کمونیست جهان فرستاد، و در آن تیتو را بار دیگر بقیه در صفحه ۷

مردم و انتخابات

پیروزی حق بر باطل را اعلام داشتند، این رأی‌گیری حرکتی بود که در آن تمام رنای و مردان انقلابی ایس سرزمین شکر جستند و با ایمان و اخلاص وظیفه تاریخی و اجتماعی خود را بانجام رساندند و نوع حکومت دلخواه خود را تعیین کردند.

همه مردم میهن ما ایس همه‌پرسی را گرمی داشتند و چنان شرکت با شکوهی در آن نمودند و چنان وحدتی ار خود نشان دادند که جهان ملت‌ها را شگفتی واداشت.

در آن روز غرور افرین بر دیک به بیست دو میلیون ایرانی با اعتماد راسخ رأی دادند از آن روز تاریخی نزدیک به چهارده ماه میگذرد، فداکار ما بارویدادها و طوفانهای بسیار دست بگریبان بودند، طوفان‌هایی که هر یک به تنهایی در حالت عادی میتواند بحرانی بزرگ در زندگی ملتی بوجود آورد. در طول یکسانی که گذشت ملت ما برای ثبات و پایداری دولت جمهوری اسلامی ایران بارها بیای صندوق‌های رأی فراخوانده شد، از جمله برای انتخابات نمایندگان مجلس بررسی نهائی قانون اساسی، برای شرکت در همه‌پرسی پذیرش قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و برای انتخاب رئیس جمهور ایران که البته در این رأی‌گیری‌ها هر بار در صد کمتری از واجدان شرایط در دادن رأی شرکت کردند.

مردم از بندرسته ایران که برای پاسداری دستاوردهای انقلاب حاضر به نوع فداکاری و ایثار میباشند به یکی از پرارزش‌ترین دستاوردها یعنی «انتخابات آزاد» که سالیان دراز در نظام سلطنتی «ار» آن بی‌بهره بودند ارج بسیاری بهادند و خواهان آن بودند که در محیطی آزاد و بدون دخالت قدرتهای داخلی و خارجی، نمایندگان واقعی خویش را با گرایش‌های فکری گوناگون روانه مجلس نمایند و تنها رأی واقعی ملت عامل تعیین کنندنده و سرنوشت ساز باشد.

ولی با کمال تأسف چگونگی برگزاری انتخابات دوره یکم بسیاری از این امیدها را به یاس مبدل نمود و انسان‌هایی را که با اعتقاد و یکپارچگی انقلابی در همه‌پرسی و سایر رأی‌گیریها شرکت نمودند دچار دل‌سردی و پژمردگی نمود، این مردم که باور خود را بازپچه قدرت‌طلبی‌ها و انحصارگریها و سازشهای کنیف دیدند زبان به اعتراض گشودند، زمزمه‌ها کم‌کم فریاد بدل شد و ابطال انتخابات دوره یکم را خواهان شدند. مردمیکه هر ایتاری را با جان و دل پذیرا بودند، بازی‌های رشت سیاسی عده‌ای را توطئه‌ی حدی بر علیه تداوم انقلاب تشخیص دادند، خاموش بگردیدند و ساک اعتراض آنان از چهار گوشه کشور بلند گردید. سرگزار کنندگان اسحانات در استند کوشیدند اسحانات را پاکیزه و

ضدانقلاب سرکوب خواهد شد

نقطه از شهر تهران، تجریش و شهر ری گروههای انحصارطلب به کسانیکه در حال فروش روزنامه «آرمان ملت»، ارگان حزب ملت ایران، بسوددهاند حمله نموده و با پاره کردن روزنامه درگیری‌هایی را بوجود آورده‌اند و حتی گاه ار پشتیبانی پاسداران کمیته‌ها نیز برخوردار شده‌اند. به چنین کسان که اعمال زور مینمایند گوشزد میشود که وابستگیان حزب ملت ایران در گذشته‌ها نیز چنین رفتارهایی را از طرف هیچ گروه یا فردی تحمل نمی‌نموده و اخلاگران را بشدت سرکوب میکردند.

روز کار آوردند. گروه سوم از گردهم‌آئنی کسانیکه پدید آمده که برای دست‌اندرکار حکومت داشتن به هر بدگفتاری و زشت‌کرداری، تس میدهند. اینها قدرت را برای پیشبرد هدفهای انقلابی انحصارگری طلب میکنند. این گروه، خطرناکترین گروه‌های ضدانقلاب هستند. زیرا بظاهر در متی انقلاب قرار دارند ولی در باطن بزرگترین ضربه را به آن میزنند.

انحصارطلبان در گوشه و کنار کشور با حمله به حزبها و سازمانهای سیاسی و تهاجم به میتینگ‌ها و راهپیمایی‌ها یا سلاحهای سرد و گرم که بیشتر به ضرب و جرح و حتی قتل می‌انجامد و همچنین به آتش کشیدن دکمه‌های روزنامه و کتابفروشی‌ها وضعی را بوجود می‌آورند که حقوق و آزادیهای اساسی مردم که مطابق اصول ۲۳ و ۲۴ و ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی محترم شمرده شده، سخت بمخاطره افتاده است.

با کمال تأسف اطلاع حاصل شد، در دو هفته گذشته در چند

سازمانهای سیاسی در تعیین سرنوشت کشور شرکت داشته باشند. ونخستین مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران، آئینه تمام نمای همه گرایشهای فکری هوادار انقلاب اسلامی باید باشد و انتخابات در زمانی انجام پذیرد که دولتی با اقتدار بر ناسامانی‌ها چیره شود و آرامش نسبی را بکشور باز گرداند و در چنان شرایطی با نظم و درستی و همراه با آزادی انجام پذیرد.

بجای روزنامه جبهه ملی آگهی حصر وراثت

خانم تریا رنجبر طلوعی بشناسنامه ۶۸۲ شرح دادخواست کلاسه ۱۳۶۵/۵۸ این شعبه توضیح داده شادروان هاشم قلعه بشناسنامه ۲۷۵۴۲ در تاریخ ۵۸/۹/۱۶ در گذشته ورثه وی عبارتند از متقاضیه همسر دائمی و همایون بشناسنامه ۷۵۴ و شهرام بشناسنامه ۳۶۰۵ پسران و توران بشناسنامه ۲۷۵۴۱ مادر متوفی شهرت همگی قلعه میباشد.

لذا مراتب سه نوبت ماهی یک مرتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه‌ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود درجه اعتبار ساقط است. مستشار شعبه ۳۲ دادگاه عمومی تهران: سازگاری

م- الف ۲۲۵۷۸ ۳-۳ م- الف ۲۲۰۳۵

از خبرهای هفته

کسانیکه با نشریات غیرقانونی همکاری کنند محاکمه میشوند

دادستان کل انقلاب به کلیه کسانیکه در هر نوع رابطه با نشریات غیرقانونی باشند اخطار کرد که بعنوان ضدانقلاب دستگیر و محاکمه خواهد شد.

در اطلاعیه دادستان آمده است که: «..... بتمام صاحبان چاپخانه‌ها، انبارها، گراورسازها، فیلمسازها، زینک سازها، کاغذ فروشها و همچنین مالکین خانه‌های شخصی یا کسانیکه بطریقی در رابطه با نشریات غیرقانونی گروه‌های ضدانقلاب همکاری دارند شدیداً اخطار میکند چنانچه توسط این دادستانی کشف گردد تحت تعقیب قانونی قرار میگیرند و بعنوان ضدانقلاب در دادگاه انقلاب اسلامی مرکزی محاکمه خواهند شد.»

این اطلاعیه ضمن اینکه از نظر نوشتار فارسی دارای غلط‌های املائی است از نظر حقوقی نیز قابل تفسیر میباشد.

بموجب این حکم میتوان فلان کاغذ فروش را بجرم اینکه اعلامیه فلان گروه روی کاغذی که او فروخته، چاپ شده است دستگیر و بعنوان ضدانقلاب محاکمه یا فلان گراور ساز را که نمیداند گراور ساخته شده بسوسيله او در کدام نشریه چاپ میشود و چه شرحی زیر آن خواهد آمد مورد تعقیب قرار داد.

دادستان کل انقلاب که بنظر میرسد دستور العمل‌های گذشته را برای صدور این اطلاعیه الگویی کار خود قرار داده‌اند، باید حداقل اسامی نشریات غیرقانونی مورد نظر خود را در اختیار این گروه از دست‌اندرکاران صنعت چاپ قرار میدادند. وگرنه فلان کاغذ فروش یا صاحب انبار (که رابطه‌اش با این اطلاعیه هنوز برای ما روشن نشده) از کجا باید بداند که کدام نشریه قانونی است و کدام غیرقانونی. یا فلان صاحب چاپخانه چگونه صلاحیت دارد تشخیص بدهد که گروهی که به او سفارش چاپ اعلامیه یا پوستری یا نشریه داده است قانونی است یا غیرقانونی.

و نتیجه آن خواهد شد که یا کسی به حکم دادستان گردن نخواهد گذاشت و یا آن چیزی را که ایشان انتظار دارند پیش خواهد آمد که چیزی جز «خود سانسوری» نیست.

تبلیغ از بودجه بیت‌المال

در آخرین روزهای هفته گذشته چاپ بیلان یکساله شهرداری تهران که با عکس آقای شهردار زیست شده بود بگونه‌ی زبرناز آگهی و در یک صفحه‌ی کامل روزنامه‌های صبح و عصر تعجب همگان را برانگیخت.

شهردار تهران که تقریباً همزمان با این آگهی از دومیلیاردریال کسری بودجه‌ی شهرداری پرده برداشته و تلویحاً همی کم‌کاریها را به عهده‌ی این کمبود گذاشته بود. با انتشار کارنامه‌ی درخشان شهرداری، خاطرهای زشت سوءاستفاده‌های گذشته را تجدید کرد.

شاید آقای شهردار، شهروندان رادچار بیماری نسیان باور دارند که در فاصله‌ی کوتاه رفتارهایی چنین ضدونقیض نشان میدهد؛ آنچه گفتنی است اینکه در یک نظام درست کارهایی از این قبیل بی‌پاداش نمی‌ماند.

نحوه توزیع سیمان تغییر کرد.

سازمان گسترش و خدمات بازرگانی هفته گذشته اعلام کرد که توزیع سیمان زیرنظر شورای عالی سیمان مرکب از وزرای بازرگانی، صنایع و معادن، مسکن و شهرسازی انجام میگردد و این بدین منظور است که از هر گونه احتکار و ایجاد بازار سیاه سیمان جلوگیری شود. اکنون شاید مستجاوز از ۱۰ سال است که موضوع سیمان و نحوه توزیع آن در کشور یکی از مسائل روز مملکت بوده است. رژیم سابق از این موضوع همیشه برای منحرف کردن ذهن مردم از مسائل اساسی روز استفاده میکرد و طبیعی است که هیچگونه کوشش اساسی برای حل آن بعمل نمی‌آورد.

در واقع دولتهای سابق خود یکی از محترکان بزرگ و نیز مصرف کنندگان عمده سیمان کشور بودند. اما آنچه حیرت برانگیز است نحوه برخورد دولت جمهوری اسلامی با این موضوع و مسائل مشابه آنست که دقیقاً برای حل مسئله همان راههایی را میروند که نظام آریامهری میرفت و هیچگاه هم به نتیجه نرسید.

نظم‌وکار، پایندان پیروزی دوران سازندگی انقلاب

از خبرهای هفته

امریکا در تدارک دومین تجاوز خود به ایران است.

شبکه رادیو تلویزیونی «ای-بی-سی» هفته گذشته اعلام کرد که کارتر بفاصله یک هفته پس از تجاوز ناموفق امریکا به ایران، به وزارت دفاع امریکا دستور داده است که طرحهای تازه‌ای را برای دومین حمله جهت نجات گروگانهای امریکائی تدارک کند.

گزارش این شبکه همچنین حاکی است که مقامات امریکائی معتقدند که جای جدید گروگانها را میدانند و پراکندن آنها به نفع گروههای نجات میباشد. چه اگر طرح نجات گروگانها از یک یا دو محل شکست بخورد احتمال موفقیت را در سایر نقاطی که گروگانها نگهداری میشود ضعیف نمیکند. از طرف دیگر شایعات مربوط به دیده شدن جسمهای نورانی در آسمان و گزارشهای مختلف از گوشه و کنار مینی بر مشاهده هواپیماها و هلیکوپترهای دشمن که پس از تحقیقات از طرف مقامات مسئول تکذیب میشود، نشان دهنده منحرف کردن ذهن مردم و ارتش ایران است تا خبر یک حمله واقعی با تردید و ناباوری روبرو شده و فرصت کافی برای مهاجمین باقی بماند.

ما مانند همیشه از دستاورد کاران حکومت میخواهیم که موضوع را جدیتر بگیرند و احتمال حمله مجدد را از نظر دور ندارند.

شناسائی رهبران گروههای حمله کننده به میتینگها آغاز میشود

بدنبال درگیریهای خشونت‌بار در دو میتینگ تهران و اعتراض شدید حزبها و گروههای سیاسی به دست اندر کاران حکومت، هفته پیش سرپرست وزارت کشور گفت: در آینده اگر کسانی اعم از اینکه عضو گروههای سیاسی باشند یا نباشند، باعث اغتشاش و بهم خوردن میتینگها و راهپیمائیها گردند، تحت تعقیب قانونی قرار خواهند گرفت و محرکین و رهبران آنها بازداشت وزندانی خواهند شد.

وی سپس با اشاره به گروهی که به نام «حزب‌الله» باعث اینهمه اغتشاش در مملکت شده‌اند گفت که این گروه یک حزب ناشناخته است و ما نمیدانیم که واقعا «رهبران» حزب‌الله چه کسانی هستند. ولی تحقیق ما درباره این گروه ادامه دارد تا بفهمیم که این «حزب‌الله» را چه کسانی علم کرده‌اند و در آینده (!) در نظر داریم که رهبران این گروه را پیدا کنیم و با آنها مذاکره کنیم (!) که دست از اغتشاش بردارند (!) ما امیدواریم که حداقل در این یک مورد مردم در جریان پیدا شدن رهبران نامرئی این گروه و چگونگی مذاکرات قرار گیرند.

۹ تابوت برای ۸ جسد

در حالیکه مقامات رسمی امریکا اعلام کرده‌اند که فقط ۸ نفر از افراد خود را در حمله نظامی به ایران در دشت کویر از دست داده‌اند، دولت ایران این تعداد را بیش از این ذکر کرده و برای اثبات این مدعا، ۹ تابوت که قاعدتا باید حاوی ۹ جسد باشد به امریکا فرستاده است.

در این رابطه مقامات امریکائی معتقد هستند که احتمالا نهمین تابوت حاوی بقایای جسد یک ایرانی است.

جا دارد دولت ایران برای روشن شدن این موضوع وسایر ابهاماتی که در این رابطه وجود دارد، از جمله چگونگی قتل فرمانده سپاه پاسداران یزد، نتیجه تحقیقات و بررسی‌های خود را هر چه زودتر در اختیار مردم قرار دهد.

از ظهر تشکیل شده بود، هم‌رمز دکتر ناصر تکمیل همایون بعنوان نماینده حزب ملت ایران شرکت کرد. گفتگوی دوم این میزگرد روز چهارشنبه ۵۹/۲/۲۲ برگزار گردید و با احتمال زیاد دامنه گفتگوها ادامه خواهد داشت.

سازمانهایی که در این میزگرد شرکت داشتند عبارت بودند: حزب ملت ایران- حزب توده ایران- سازمان مجاهدین خلق، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، جبهه ملی ایران، نهضت آزادی ایران- جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران (جاما) دفتر هماهنگی همکاریهای مردم با رئیس‌جمهور. حزب جمهوری اسلامی- سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و جنبش مسلمانان مبارز نمایندگان خود را در این میزگرد معرفی نکردند.

نشست گفت و شنود

همه هفته روزهای پنجشنبه از ساعت ۱۷ به مدت یکساعت و نیم نشست گفت و شنود ویژه وابستگان حزب در تالار سخنرانی قرارگاه مرکزی برپا میباشند.

درخواست جمعیت کردهای مقیم مرکز از اسقف کاپوچی

جمعیت کردهای مقیم مرکز، که مدعی هستند به هیچ سازمان سیاسی بستگی ندارند، در نامه‌ای که به «اسقف کاپوچی» نوشته‌اند ضمن تشریح ماجراهای خونینی که طی ده روز جنگ و برادر کشی در کردستان گذشته است، از وی برای کمک به کردستان استمداد کرده و خواسته‌اند که نامبرده ترتیبی بدهد که هر چه زودتر کمکهای داروئی و غذایی به کردستان جنگ رده ارسال شود.

این جمعیت در همین نامه از آقای کاپوچی خواسته است که از کردستان دیدن کند و از دولت بخواهد که هر چه زودتر به این فاجعه پایان داده شود.

ما از گردانندگان این جمعیت، که عملکردشان از بدو اعلام موجودیت نشان دهنده وابستگی عمیقشان به حزبها و سازمانهای سیاسی اخلاکگر کردستان میباشد، سؤال میکنیم که آیا بهتر نیست بجای مخاطب قرار دادن آقای کاپوچی، که باوجود رفتوآمدهای بیشمار هنوز برای ملت ایران ناشناخته است، از توطئه گرانی که این جنگ را به هم میهنان کرد و ارتش تحمیل کرده و میکنند بخواهید که این فاجعه را به پایان ببرند؟

ما منکر اشتباهات دست اندر کاران حکومت و غرضورزیهای گروههای انحصارطلب در مورد کردستان و سنگاندازی در راه فعالیت‌های هیئت ویژه دولت و به بن بست کشاندن مذاکرات نیستیم. اما هیچ عقل سالمی نمیتواند قبول کند که دولت با کسانی که رودرروی ارتش می‌ایستند و علیه رجم بردباری ارتش راه بر آن میبندند و برویشان آتش می‌کشایند و استقلال و حاکمیت ملی ایران را به خطر میاندازند، مدارا کند.

شما اگر واقعا مایل به خاتمه دادن به این برادر کشی هستید خودتان از عناصر و حزبهای وابسته در کردستان بخواهید که راه آمد و رفت واحدهای نظامی را باز کنند و آب به آسیاب بیگانه نریزند و گرنه از دست آقای کاپوچی کاری ساخته نیست.

نگرانی رئیس جمههوری از مصاحبه‌های مقامات غیرمسئول

رئیس جمههور که بنظر میرسد از مداخلات و اظهار نظرهای افراد و مقامات غیرمسئول به تنگ آمده است، هفته گذشته طی پیامی، ضمن تأکید بر حساس بودن اوضاع کشور، مقامات و افراد غیرمسئول را از انجام مصاحبه‌ها و اظهار نظرهای شخصی که باعث تقویت دشمن و تضعیف نیروهای ملی و نظامی میشود، برحذر داشت. اگر چه این اظهار را میبایست در همان روزهای اول زمامداری خود به مقامات و افراد غیرمسئول و گاه بی‌صلاحیت و مغرض، که متأسفانه تعدادشان هم کم نیست، میدادند و با قدرت هر چه تمامتر کسانی را که از این امر تخلف میکردند بدست قانون میسپردند، اما هنوز هم دیر نشده و اگر ایشان به این آگاهی رسیده باشند که همه مردم باندازه ایشان از این هرج و مرج رنج میبرند و از این اظهار نظرهای غیر مسئولانه و گاه مغرضانه بی‌سبب از مقامات و مراجع غیرمسئول دچار نگرانی و سرخوردگی و بی‌تفاوتی شده‌اند، باید به این نتیجه نیز رسیده باشند که مردم از قاطعیت و ایستادگی رئیس جمههور خود در مقابل اینگونه افراد حمایت خواهند کرد و در اجرای تصمیمات صحیح و قاطع، حاضر به همه گونه فداکاری هستند.

خبرهای حزبی

اطلاعیه دبیرخانه سازمان شهرستان تهران

دبیرخانه سازمان شهرستان تهران، اعلام کرده است که خواستاران وابستگی حزب ملت ایران میتوانند روزهای پنجشنبه از ساعت ۶/۳۰ تا ۱۸/۳۰ با همراه داشتن دوقلمبه عکس و فتوکپی شناسنامه برای پر کردن درخواستنامه به اطاق ۲۰۳ در قرارگاه مرکزی حزب مراجعه نمایند.

میزگرد، برای رسیدن به وحدت

در میزگردی که از سوی روزنامه اطلاعات برای «رسیدن به وحدت عمل در جهت مبارزه با امپریالیسم و تحلیل موقعیت کنونی ایران و راه برون رفتن از بحرانهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی کشور» روز چهارشنبه ۱۳۵۹/۲/۱۷ از ساعت ۳ بعد

نامه‌های رسیده

آقای محمد وطن خواه از تبریز می‌نویسد.

به نظر من بهره‌برداری اصولی از ورزش در سیاست کاری است بسیار معقول لکن ورزش را نباید فدای سیاست کرد.

تصمیم شورای انقلاب در مورد عدم شرکت قهرمانان ایرانی در المپیک مسکو آنهم بعد از انجام مسابقاتی مقدماتی دقیقاً همان فداکردن ورزش در راه سیاست است.

در شرایطی که دولت استعمارگر امریکا از حربه عدم شرکت در المپیک برای مقابله با روسیه استفاده میکند این تصمیم شورای انقلاب گرچه مستقلاً اتخاذ شده ولی در نهایت مورد بهره برداری سیاسی قرار میگردد.

از شورای انقلاب میخواهیم که در این تصمیم خود تجدید نظر کند و راه ما را برای ورود به المپیک نبندد.

آرمان ملت: در دو شماره پیش زیر عنوان «شرکت نکردن المپیک مسکو اشتباه است- باور مردم را به بازی نگیرد» نظر کلی خود را شرح داده است.

آقای علی اسلامی از سبزوار مینویسد.

دیدید و خواندید و منم مثل شما دیدم و خواندم که دوره دوم انتخابات مجلس شورای ملی روز جمعه نوزدهم اردیبهشت ماه انجام میشود. شما را بخدا جای من و هزاران و بی‌انصافی نکنیم میلیونها ایرانی معترض بدور اول انتخابات مجلس شورای ملی با آنهمه تخلف و تقلب آریسامه‌ری از دست اندرکاران این شعبده بازی بپرسید، آیا باز هم آنچه بجای نباید برسد، فریاد مردم است؟! چه نیازی به انتخابات و خرج کلان آن خودتان از اول بگوئید چه کسانی صلاحیت وکیل شدن دارند و مردم بچاره‌ها را به بازی نگیرید، آنها بیست و پنجسال بازی انتخابات فرمایشی را تماشا کردند و خندیدند، دیگر بس است.

هم‌رمز متقی از تهران مینویسد.

بعلت سیستم و نظام غلط اداری بانکهای کشاورزی، کشاورزان در بسیاری از روستاهای کشور موفق بدریافت وام کشاورزی نشده‌اند حال آنکه بودجه زیادی برای این منظور در نظر گرفته شده است.

اگر قرار است به کشاورزان وام داده شود بهتر این است که این وام از اسفندماه هر سال پرداخت شود که آنها بتوانند با استفاده از فرصت کافی از این وام در جهت توسعه کار خود از آن استفاده کنند.

در مورد نحوه پرداخت و میزان آن بطور مثال اگر کشاورزی تا میزان پانصد هزار ریال وام تقاضا میکند مسئولین بانکهای کشاورزی میباید ترتیبی اتخاذ کنند که کشاورز بتواند آن را از طریق شرکت تعاونی روستائی که بهمین منظور از طرف شورای ده تشکیل میشود، دریافت کند در این صورت نه کشاورز مجبور است که مرتباً جهت تقاضا و دریافت وام به شهر مراجعه کند و نه کارشناسان جهت بررسی هر تقاضا احتیاجی به مراجعه به روستا خواهند داشت و از این طریق میتوان مقدار زیادی از اتلاف هزینه و وقت جلوگیری کرد.

هم چنین بانکهای کشاورزی میتوانند در صورتی که میزان وام درخواستی زیاد تر از حد معمول باشد این وام را بصورت‌های مختلف مانند ماشین آلات کشاورزی و بذروکود و نهال در اختیار متقاضیان قرار دهند تا کسانی هم بنام کشاورز نتوانند سوءاستفاده کنند.

آقای حسین شریفی طباطبائی از یزد مینویسد:

من از جمله کسانی هستم که از همان روزهای نخست درگیری‌های تأسف‌بار در کردستان، جریان‌ها را موبه مو دنبال میکردم و اظهار نظرها را مورد توجه قرار میدادم. بهمین دلیل مهندس سبحانی را در آن مجموعه پس از داریوش فروهر که برآستی خیلی خوب عمل کرد و باید گفت فقط به ایران میاندمیشید و در فکر هوچی‌گری و استفاده‌های شخصی نبود، شخصیت باارزشی می‌شناختم. ولی متأسفانه آقای سبحانی در آخرین اظهار نظر خود پیرامون کردستان چنان موجب تغییر نظرم و هر که موردسؤالم قرار گرفت، شد که باور نکردنی است یادم هست آن سالی که شاه با سروصدا و تبلیغات فراوان می‌خواست توطئه‌ی تجزیه‌ی بحرین را موجه و دمکراتیک قلمداد کند. رفزان‌دوم را پیش کشید. عجباً که حالا هم راه‌حل پیشنهادی آقای مهندس سبحانی همان رفزان‌دوم است!

آقای مهندس سبحانی گویا، یکبار هم تاریخ را ورق زده‌اند و از همبستگی ملی چیزی نمی‌دانند! یا شاید ایشانهم تاریخ ساختگی آریامهر! را باور کرده‌اند و آغاز تاریخ مدون ایرانزمین را سلطنت کوروش می‌شناسند حال آنکه با یک نگاه سطحی میتوان این حقیقت را دریافت که مادها اولین سلسله‌ی ایرانی بودند و تاریخ مدون ما از فتح نینوا در سال ششصد و دوازده پیش از میلاد آغاز شده است و هم‌میهنان کرد از همان زمان پاسداری مرزهای غرب ایران بزرگ را به عهده داشته‌اند.

از همه‌ی اینها گذشته یکباره این اندیشه چگونه به ذهن ایشان خطور می‌کند و یا به ایشان القا می‌شود!

آخرین حرفم با پیوزش از پسر حرفی اینستکه ایران تجزیه‌شدنی نیست و همه‌ی قوم‌های ایرانی به اندازه‌ی یکدیگر در حفظ این سرزمین سهم داشته و دارند، جناب مهندس سبحانی هم سرود یادمستان ندهند.

گرامیداشت زادروز مصدق
دبیرخانه حزب برای گرامیداشت روز بیست و نهم اردیبهشت ماه که برابر بانودو ششمین زادروز مصدق میباشد، آئین ویژه در تالار سخنرانی قرارگاه مرکزی حزب ملت ایران برگزار خواهد کرد

به استانهای کشور باید حق خود گردانی داد